

چهل حکمتِ شکرگزاری

اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا
وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ
۱۳:۳۴

علامہ نصیرالدین نصیر ہونزائی

چهل حکمتِ شکرگزاری

یکی از تصنیفات

علامه نصیرالدین نصیر ہونزائی (قس)

مترجم

صداقت احمدی

شائع کردہ

المعهد للحكمة الروحية والعلم المنير

(ISW & LS)

www.monoreality.org

www.ismaililiterature.com

www.ismaililiterature.org

www.Global-Lectures.com

فهرستِ مضامین

شماره	عنوان	صفحه
۱	کلماتِ سپاسگزاری	۱
۲	مسئولانِ ثبت	۲
۳	دِیاچه	۳
۴	چهلِ حکمتِ شکرگزاری	۹
۵	اَنَا وَ فَنَائِیت	۲۳

کلماتِ سپاسگزاری

حمد و سپاس خدای تعالی را که به فضل و یاری او، ترجمهٔ فارسی کتاب «چهل حکمت شکرگزاری»، اثر عارف کامل حضرت علامه نصیرالدین نصیر هونزائی (قس)، به انجام رسید.

از استاد محترم، دکتر بحر العلوم فقیر محمد هونزائی (د.ف)، برای دعاهاى مبارك و هدايت‌هاى ارزشمندشان صمیمانه سپاسگزارم. همچنین، از مصطفى احمدی برای مرور و بررسی دقیق ترجمه، و از عظیم علی لاکهانی برای همکاری‌شان در زمینهٔ شعرِ بروشسکی، صمیمانه سپاسگزارم.

اگر در این ترجمه کاستی یا کوتاهی باقی مانده باشد، از این بندهٔ حقیر است و از درگاه امام زمان، طلب بخشش و عفو می‌کنم. امیدوارم که مولای زمان نور مولانا شاه رحیم الحسینی حاضر امام علیه السلام، این تلاش حقیرانه را در بارگاه مبارك خویش مورد قبول قرار دهند.

آمین یا ربّ العالمین!

مترجم

۱۲/۱۰/۲۰۲۶ میلادی

مسئولان ثبت

اکنون به فضلِ خدا سه تن هستند: عزیزانم روبینه برولیا، ظهیر لالانی و عشرت رومی. البته برای تعریف و توصیفِ هر روح ایمانی صفحه‌ کائنات نیز کم است، اما در اینجا سخن بسیار مختصر خواهد بود، و آن هم به گونه‌ای مشترک: این ارواح پاکیزه از دولتِ لازوالِ ایمان مالا مال‌اند، از حلاوت‌های ذکر و عبادت و مناجات آگاه‌اند، از لذت‌های علم و حکمت باخبرند، و از فضیلتِ عظیم‌ترین خدمت واقف‌اند.

الحمد لله رب العالمین

۱۹۹۳/۲/۷ میلادی

دیباچه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوستانِ عزیز! بیاید همه با هم، در حالِ مناجاتِ شکرگزاری بر نعمت‌های بی‌شمارِ خداوندِ متعال، اشکِ فراوان بریزیم، تا آنکه به منزلِ فنا بسیار نزدیک شویم؛ زیرا نورِ هدایتِ خدا، رسول و صاحبِ امر^ع چنان معجزات کرده و چنان احساناتِ عظیم رُخ داده‌اند که از کثرت و جمال و جلالِ آنها یک نوع هیبت احساس می‌شود.

همراهانِ عزیز! من با صد شوق قربانِ همه شما شوم! این قیمتِ گریه و زاری عاشقانه شما و درفشانی اشک‌های پاکیزه شما بود، که به واسطه آن توانستم تا به شهر و مقامِ محبوبِ جانِ خویش (امامِ زمان^ع) برسم. الحمدلله! بنده ناچیز را سعادتِ ملاقات با چنین عملداران و ارکانِ جماعت نصیب شد که شب و روز در قربِ خاصِ امامِ زمان علیه‌السلام خدمت می‌کنند. خدا گواه این حقیقت است که من از آن مسرت و شادمانی عظیم، مغلوب و بی‌حال شده بودم. من در آن چشم‌های باسعادت، دیدارِ معشوقِ روحانی را تصور کردم، چشم‌هایی که چهره نورانی امامِ اقدس و اطهر^ع را بارها می‌نگرند.

يك شعرِ بروشكي من است:

جے اتسقلت کے گوڈ گاری طوافر مولا!

اُنے محبتے میلے اورشم سسے پروانہ میام

ترجمہ: ای مولای من! اگر نتوانم سعادتِ طواف کردن گِرداگردِ تو را حاصل کنم، پس برای من ضروری است که طوافِ کسانی را به جا آورم که از شرابِ محبتِ تو مست و مخمور شده‌اند.

با پیشِ نظر داشتنِ يك مثال قرآنی از حضرت عیسیٰ: وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ (۱۹: ۳۱) ما با یقین می‌توانیم بگوییم که ذاتِ بابرکتِ انسانِ کامل هر جا که باشد، از آنجا همواره بی‌شمار برکات ظاهری و باطنی منتشر می‌گردد. همان‌گونه که خورشید از مرکز خویش همواره نور می‌تاباند، و چنان که بوستانی سدابهار هر لحظه در اطرافِ خود عطرافشانی می‌کند، همچنین از نورانیت، روحانیت و شخصیتِ مقدّسِ امامِ عالی‌مقام^ع سلسلهٔ فیوض و برکات همواره جاری است.

دوستانِ عزیز! برای شما این سخن نو نیست که انسانِ عالمِ صغیر است؛ یعنی هر انسان بحدِ قوّتِ يك عالمِ شخصی است. پس در هر فردِ بشر، تمام چیزهای آسمان

و زمین موجود است. پس چگونه ممکن است تشریح این کلیه غلط باشد که روح هر شخص به وسیله علم و عبادت در روح کائناتی (روح اعظم) فنا شده، همه رس و عالمگیر گردد؟

«حمد» یکی از نام‌های فراوانی فرشته عقل کامل (عقل کل) است. از این رو، تأویل «الحمد لله رب العالمین» این است که: فرشته عقل کل از آن خدای بزرگ و برتر است و او به واسطه آن، عوالم شخصی پاک را پرورش می‌دهد، و این همان تعریف خاص اوست.

طبق قانون قرآنی، در سوره شوری، آیه پنجم (۴۲: ۵)، حکمتی عظیم نهفته است که مفهوم تأویلی آن چنین است: بعید نیست که آسمان از فراز خود بشکافند، و فرشتگان در نورانیت عقل کل پروردگار خویش تسبیح می‌کنند و برای اهل زمین بخشش می‌طلبند. این حکمت تأویلی در لفظ «حمد» پنهان است. در اینجا همچنین معلوم می‌شود که فرشتگان بزرگ برای چیزهای نشدنی (غیرممکن) دعا نمی‌کنند و نه برای مجرمان ناقابل بخشش، طلب بخشش می‌کنند، از این حقیقت

ظاهر می‌گردد که بالاخره همه نجات و بهشت خواهند یافت، هرچند که بسیاری از مردم به طور عارضی در دوزخ جهالت داخل‌اند.

ارشادِ خدایِ جلیل و جبار است، ترجمه: «و زمین به نورِ پروردگارِش روشن خواهد شد، و نامهٔ اعمال نهاده خواهد شد، و پیامبران و گواهان حاضر گردانیده خواهند شد». (۶۹:۳۹). خواه قیامتِ انفرادیِ عالمِ شخصی باشد یا قیامتِ اجتماعیِ عالمِ ظاهر، در هر صورت این سوال پیدا می‌شود که در اینجا از «زمین» چه مراد است؟ کرهٔ ارض؟ یا باشندگانِ آن؟ زمینِ ظاهری، هر مقدار که به نورِ مادی نیاز دارد، از همان ابتدا برایش فراهم است. پس آیا معنای این پیش‌گوییِ قرآنی این نیست که در زمانِ روحانیت، بر همهٔ مردم بارانِ علمِ نورانی خواهد بارید؟ و این سؤالی جداست که آیا چنین بارانِ علم در عالمِ شخصی رخ خواهد داد؟ یا در عالمِ ظاهر؟ یا در هر دو؟

در هر شخص، به صورتِ ذراتِ لطیف، تمامِ اولین و آخرین موجود هستند؛ بنابراین هنگامی که بر یک مؤمنِ سالکِ قیامتِ انفرادی می‌گذرد، این [قیامتِ انفرادی] نمایندهٔ قیامتِ جملهٔ خلایق قرار می‌گیرد. یعنی در قیامتِ ذاتی، قیامتِ

اجتماعی به طور پوشیده واقع می‌شود، و نکته دوم این است که همین قیامتِ انفرادی، کتابِ اعمالِ آن مؤمنِ سالک و نیز کتابِ اعمالِ همگان است.

در قرآن حکیم برای هر سوالِ علمی جوابِ کامل موجود است. مثلاً اگر این سوال باشد که در بهشت برای اهلِ بهشت چه چیزها، یعنی چه نعمت‌هایی وجود دارد، جوابِ آن از متعدد آیاتِ مقدّسه به دست می‌آید، و یکی از آنها این است: **لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵:۵۰)** ترجمه: در بهشت، هر آنچه بخواهند به آنان داده خواهد شد، و نزد ما چیزهای بیشتری نیز هست.

اکنون فرض کنید که یک مؤمن در جنت است و می‌خواهد حشرِ او با آنحضرت^ص شود، تا بتواند اسرارِ بسیار عظیمِ معراجِ حضورِ انور را مشاهده کند؛ در این صورت یقیناً این مؤمن از این نعمتِ بسیار بزرگی بهره‌مند خواهد شد. زیرا مطابقِ قانونِ «در هر یک، همه»، در رحمتِ عالم صلعم همه مردم موجود بودند. و قانونِ الهی این نیز هست که هر شخص، خواه طوعاً یا کرهاً، سر تسلیم خم کرده و به سوی او بازگردد (۸۳:۳) و بازگشت به سوی خدا تنها از طریقِ صراطِ مستقیم (پیغمبر و امام) ممکن است، و این راهِ دینِ حق تا معراج می‌رود.

برادران و خواهرانِ روحانی من! می‌دانم که شما همگی ترقی روحانی را از جان و دل می‌خواهید، و برای آن نیز کوشش می‌کنید؛ با این حال، مشوره من این است که برای رسیدن به اوج ترقی روحانی، همراه با عبادتِ عام و خاص، از علم‌الیقین نیز بهره بگیرید؛ زیرا بدون علم حقیقی، تنها با عبادت نمی‌توان ترقی روحانی خاصی را به دست آورد.

این مقاله «چهل حکمتِ شکرگزاری» به طورِ عمومی برای همه است، و به طورِ خاص برای آنانکه ارواح، دعاها و یادهایشان هر بار دل و دماغ مرا تازه می‌سازد. چه بگویم در وصفِ امیدهای عظیم‌الشانِ آن دوستانِ عزیز که به یک حقیقت [مونوریالیتی Monoreality] یقین دارند، ما همگی با عشق و محبت، قربانِ آن هستی پاک و پاکیزه شویم که با کمالِ کرم این تصورِ انقلابی را به ما عنایت کرد. الحمدلله.

خادمِ ادنیٰ

نصیرالدین نصیر هونزائی

لندن ۹/۷/۹۳ میلادی

چهل حکمتِ شکرگزاری

حکمت ۱

الحمد لله، ما اسماعیلی از زمانِ آدم^ع تا قیامت، به حاضر و موجود بودنِ نورِ امامت قائل هستیم، و این عقیده در حقِّ ما از جانبِ خداوند متعال انعامی بسیار بزرگ است.

حکمت ۲

الحمد لله، به موجبِ ارشادِ گرامی پیغمبرِ اکرم، اهلِ بیت یعنی امام زمان علیه السلام برای ما کشتیِ نوح^ع هستند؛ بدین سبب ما از طوفانِ جهالت و گمراهی نجات یافته ایم.

حکمت ۳

الحمد لله، همان گونه که در قرآن حکیم از آلِ ابراهیم^ع تعریف و توصیف شده است (۵۴:۴)، اکنون آن تعریف و توصیف دربارهٔ آلِ محمد یعنی امام وقت^ع است؛ از این رو، شکر بر ما واجب است، زیرا ما به خزانهٔ حکمتِ قرآنی وابسته ایم.

حکمت ۴

الحمد لله، مولا علی مثیل هارون بودند، و در امام زمان نور علی موجود است.

حکمت ۵

الحمد لله، دین اسلام بر آن حضرت کامل گردید، و به سبب جانشینان برحق حضور انور (ائمه طاهرين)، این کمال دین برجا و برقرار است، و نعمتی که به درجه تمامیت رسیده بود، همچنان موجود است.

حکمت ۶

الحمد لله، ما مسلمان هستیم، جان نثار و دوستدار حضرت محمد رسول الله و علی مرتضی، و از مریدان مخلص شاه کریم الحسینی امام حاضر هستیم؛ و این بزرگترین سعادت ازلی ما است.

حکمت ۷

الحمد لله، مؤمن برای همیشه زنده ماندن آفریده شده است، و مقصد آمدن او به دنیا معرفت است، تا مقصد آخر خود، یعنی گنج مخفی را حاصل کند.

حکمت ۸

الحمد لله، در روح و روحانیت هر مؤمن و مؤمنه، برابر کائناتِ ظاهریک عالم پوشیده است، که در آن سلطنت ذاتی بهشت موجود است، و کدام نعمتی است که در آنجا موجود نباشد؟

حکمت ۹

الحمد لله، در ظاهر و باطنِ دین، نعمت‌های خدا به کثرت وجود دارند که نمی‌توانیم آن‌ها را بشماریم و نیز نمی‌توانیم کماحقه شکر آن‌ها را به جا آوریم؛ پس بهتر آن است که به عجز خود اعتراف کنیم و اندکی اشک بریزیم.

حکمت ۱۰

الحمد لله، سلسله نور امامت، ريسمان الهی است که ما اسماعیلیان آن را با استحکام گرفته‌ایم، و این عمل چنان بنیادی و ضروری است که در آن تعمیل تمام احکام اصولی نهفته است.

حکمت ۱۱

الحمد لله، حکمت او بسیار عجیب و غریب است؛ او چیزهای خویش را نه تنها می‌گستراند، بلکه هرگاه بخواهد آن‌ها را درهم می‌پیچد؛ چنان که قرآن در ۱۱۴ سوره گسترده شده است و در اُمّ الکتاب (سوره فاتحه) درهم پیچیده شده است؛ بنابراین، ثواب قرائت سوره فاتحه برابر با ثواب تلاوت تمام قرآن است.

حکمت ۱۲

الحمد لله، ارشاد قرآنی است که: اگر شکر به جا آورید، شما را نعمت بیشتری خواهم داد (۷: ۱۴). همچنین ممکن است شکرگزاری سبب شود که بر نعمت روشنی افتد و قدر و عظمت آن افزون گردد؛ در حالی که ناشکری باعث می‌شود که بر نعمت تاریکی فرا گیرد.

حکمت ۱۳

الحمد لله، در قرآن حکیم آیاتی نماینده وجود دارد که در آنها خلاصه تمام قرآن پاک بیان شده است؛ چنان که در سورة یاسین آمده است: و ما هر چیز (عقل و جان و علم و حکمت) را در امام مبین محدود کرده ایم (۱۲:۳۶).

حکمت ۱۴

الحمد لله، قرآن با علی است و علی با قرآن؛ معنای آن این است که هنگامی که ما به قرآن رجوع می کنیم، نور علی را نیز می یابیم، و زمانی که علی را می شناسیم، معرفت قرآن نیز حاصل می شود.

حکمت ۱۵

الحمد لله، امام برحق سرچشمه نور است؛ اگر در خورشید ظاهری برای مخلوقات نظام شمسی همه چیز وجود دارد، پس در مظهر نور خدا چگونه ممکن است کمی وجود داشته باشد؟

حکمت ۱۶

الحمد لله، عظمت و بزرگی و قدر و منزلتِ نعمت‌های باطنی چنان است که بدون حکمت نه شناختِ آن‌ها ممکن است و نه شکرگزاری از آن‌ها؛ از همین رو، خداوند متعال فرموده است: «و ما به لقمان حکمت عطا کردیم که خدا را شکر کند» (۱۲:۳۱).

حکمت ۱۷

الحمد لله، بحرِ روحانی می‌تواند در قطرهٔ خود جای گیرد، درحالی که بحرِ مادی نه می‌تواند به قطره نزدیک شود و نه می‌تواند در آن جای گیرد.

حکمت ۱۸

الحمد لله، مذهبِ ما مذهبِ خیرخواهی است؛ ما بهبود و بهتریِ اسلام و انسانیت را می‌خواهیم، چرا که خلقِ گویا خانوادهٔ خداوند متعال است؛ بنابراین نزد خداوند محبوب‌ترین و پسندیده‌ترین شخص آن است که بیشترین فایده را به خانوادهٔ او برساند و اهلِ خانهٔ او را مسرور سازد.

حکمت ۱۹

الحمد لله، در مذهبِ پاکِ ما، نمونه‌های عالی شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت وجود دارند.

حکمت ۲۰

الحمد لله، اسلام دینی آفاقی است؛ مثال‌ها و دلایل آن در مذهبِ اسماعیلی یافت می‌شود، چرا که در این‌جا بالاخره تصورِ نجاتِ همگان وجود دارد؛ از این‌رو خیرخواهی همهٔ انسان‌ها مطلوب است.

حکمت ۲۱

الحمد لله، نظام هدایتِ ظاهری و باطنی امام زمان بی‌مثال و لاجواب است که به واسطهٔ آن، جماعتِ نیک‌بختِ ما کامیابی و سرفرازیِ دین و دنیا را حاصل می‌کند.

حکمت ۲۲

الحمدُ للهِ، امامِ برحقِ توسطِ پیرانِ عظیمِ ما احسانی بسیار بزرگ بر ما کرد، چنان که با نوشتادنِ آبِ معرفتِ ما را زنده کرد، وگرنه تا اکنون مُرده می ماندیم.

حکمت ۲۳

الحمدُ للهِ، امامِ اقدس و مطهر^ع برای خدمتِ دینی و دنیوی جماعتِ خوش نصیبِ اسماعیلی، همان قدر و همان گونه مؤسساتِ منظم فراهم کرده اند که چنین مؤسسات در هیچ جماعت دیگری یافت نمی شود. از این مؤسساتِ امامِ عالی مقام، نه تنها جماعت بهره می برد، بلکه برای عملداران و اعضا نیز عزّت بسیار بزرگی است.

حکمت ۲۴

الحمدُ للهِ، تکلیفِ جسمانی عارضی است، راحتِ روحانی دائمی، دنیا چندروزه است، آخرت پاینده و همیشه، و رحمتِ خدا بر هر چیز محیط است.

حکمت ۲۵

الحمد لله، در دین بزرگ‌ترین هنر عاجزی و نرم‌دلی است و بزرگ‌ترین ساینس گریه و زاری، زیرا از این عمل پاکیزگی دل و جان حاصل می‌شود که در آن فواید بی‌شمار نهفته‌اند.

حکمت ۲۶

الحمد لله، آنان که عاشق حقیقی نور هستند، برای عبادت نورانی در وقت شب برمی‌خیزند. آنان در دل می‌گویند که برای دیدار محبوب جان باید رفت؛ و در روحانیت ایشان ترقی روزافزون می‌شود.

حکمت ۲۷

الحمد لله، به برکت عشق پاک مولا هر مشکل آسان می‌شود و کسی که این عشق پر حکمت را نداشته باشد، هر سخن دین بر او سنگین می‌نماید، پس مؤمن باید در عشق مقدس امام زمان ذوب شود.

حکمت ۲۸

الحمد لله، عشقِ نور در اصل برای مؤمن خاص است؛ بسیار جای خوشی است که از طریق علم و عبادت آتشِ عشق تیزتر می‌شود، و حُسن و جمالِ معشوق هر بار به صورتِ دیگری ظاهر می‌شود.

حکمت ۲۹

الحمد لله، همه ما فرزندانِ روحانیِ امامِ عالی مقام هستیم؛ با غور و فکرِ خوب در این، معلوم خواهد شد که این چه فضیلتِ بزرگی می‌تواند باشد، و همراه با آن، این نیز بسیار ضروری است که مسئولیت‌های خود را احساس کنیم.

حکمت ۳۰

الحمد لله، دعا درجهٔ مغزِ عبادت را دارد؛ پس کسانی که به خواندنِ دعا حکم داده شده‌اند، عبادت فرشتگان به آنان عطا شده است، زیرا فرشتگان همواره دعا و ذکر می‌کنند.

حکمت ۳۱

الحمدُ لله، امامِ عالی مقام دو دروازه دارند: دروازه ظاهر و دروازه باطن؛ تا برای مُریدانِ دُور و نزدیک، دسترسی به حضرتِ امام ممکن گردد.

حکمت ۳۲

الحمدُ لله، سرّالاسرارِ نورِ امامت این است که در اینجا حکمِ عبادتِ نورانی داده می شود، تا ارواح پاکیزه تعلیم علم الاسماء را حاصل کنند.

حکمت ۳۳

الحمدُ لله، مؤمن در راحت باشد یا در تکلیف، هر وقت خدا را به کثرت یاد می کند؛ به واسطه آن دل او مطمئن می ماند، و این حقیقت را می داند که باید همیشه در ذکرِ خداوندی مصروف بماند.

حکمت ۳۲

الحمد لله، عبادتِ مؤمنین تا عرشِ اعلیٰ می‌رسد و در کلمهٔ «کُن» فنا شده، طاقتِ فرمانِ الهی می‌گردد، و از آن اصلاحِ احوال حاصل می‌شود.

حکمت ۳۵

الحمد لله، حکمتِ بنیادی و کلیدیِ مذهبِ اسماعیلی این است که هر فرد با حاضری در جماعت‌خانه ترقی روحانی کند، زیرا جماعت‌خانه مقامی بسیار مقدس و بابرکت است.

حکمت ۳۶

الحمد لله، جماعت‌خانه کارخانهٔ نور است؛ جایی که از ذکر و عبادت نور ساخته می‌شود، از علم و نصیحت نور ساخته می‌شود، از محبتِ امام زمان نور ساخته می‌شود، از هر قسم نیکی و خدمت نور ساخته می‌شود، از اسم اعظم، بیت‌الخیال و نقش نور ساخته می‌شود.

حکمت ۳۷

الحمد لله، در جماعت خانه نزول فرشتگان و ارواح نیک صورت می گیرد، زیرا در آنجا نور امام اقدس و اطهر موجود است. همان گونه که شب پره ها گرداگرد شمع هستند و پروانه ها بر گل ها می نشینند، به همین گونه با نور امامت، همیشه لشکر ارواح و ملائکه موجود می باشند.

حکمت ۳۸

الحمد لله، نزد امام زمان علیه السلام خزائن علم و حکمت موجود است؛ پس دانشمندی هر فرد مؤمن در این است که امام وقت خویش را از لحاظ روحانی بشناسد و از او علم و حکمت را حاصل نماید.

حکمت ۳۹

الحمد لله، سعادت مندی بسیار بزرگی برای همه ما است که تحت تأثیر دور روحانی هستیم؛ یعنی زمانه حضرت مولانا امام سلطان محمد شاه و مولانا شاه کریم الحسینی امام حاضر، زمانه علم روحانی و نورانی است که از آن فیض حاصل کردن، نیک بختی بسیار بزرگی برای مؤمنین است.

حکمت ۴۰

الحمد لله، هر مؤمن این حقیقت را می‌داند که نعمتِ اصلیِ اسلام کدام است؟ و او برای آن شکرگزار نیز هست. پس دعا است که پروردگارِ عالم برای شناختِ نعمت‌های دینی، همت و توفیق عنایت فرماید! آمین یا ربّ العالمین!

نصیرالدین نصیر هونزائی

لندن ۲۹/۶/۹۳ میلادی

به یادِ دورهٔ فرانسه

آنا و فنائیت

(ترجمه)

هزاران لعل و گوهر درونِ سنگِ هستی هستند؛
ای نادان، در طریقِ خودشکستی تأخیر مکن.

گر ز درختِ سربلندی بهره می خواهی،
تخمِ خودی را اول در خاکِ پستی بیفکن.

ای نورِ آتش، از هیزمِ تر (چوبِ تر) پذیرایی مکن؛
که او مغرورِ ظلمت و گرفتارِ فریبِ خودپرستی است.

به شرطِ دین و دانش سعی کن تا زربکف شوی؛
وگرنه گنجِ لقمانی در تنگدستی نهان است.

عصای دین برای توانگر از بس ضروری است،
که انسان در مستیِ نشئه دولت فرو می افتد

اگر نمی توانی فنا فی هستی اعلی شوی،

تا قیامت به حالِ خود در هستی خویش باقی خواهی ماند.

دیگر با دشتِ وحشتِ خودی تعلقی نداریم؛

نصیرا! ما در محلِ فراتر از «آنا» زندگی می کنیم



شخصیتِ فرید و شگرفِ عصرِ خویش‌اند که در طولِ حیاتِ طیبۀ صد سالۀ خویش، با وجودِ کثرتِ اوضاعِ نامساعد، چون فقدانِ تعلیم در منطقهٔ کوهستانی و دورافتادهٔ هونزه، ناحیۀ شمالِ پاکستان، با ریاضتِ روحانی توانستند که بیش از یک صد جلد کتابِ نثر و نظم مشتمل بر حکمت و تأویلِ قرآنِ کریم در حیطۀ تحریر درآورند. ایشان اولین شاعر و صاحبِ دیوان در لسانِ مادریِ شان «بروشسکی» بوده که ملقب به «بابای بروشسکی» معروف‌اند و نیز به زبان‌های دیگر چون فارسی، اردو و ترکی آثارِ شاعری خویش را برای نسل‌های عصرِ حاضر و آینده به ارمغان گذاشته‌اند. ایشان در پرتو حکمتِ قرآن «ساینسِ روحانی» را کشف و از برای بشریت ضبط و ثبت نموده‌اند. نمونهٔ چند از آثارِ علمی و عرفانیِ ایشان «قرآنِ حکیم و عالمِ انسانیت»، «کتابُ العلاج»، «تصوفِ عملی و ساینسِ روحانی»، «میزانُ الحقائق» و «روح چیست؟» می‌باشد و نیز بنابر زحمات و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر از برای ارتقاء و بهبودِ زبانِ بروشسکی و رفاه و پیشرفتِ زندگیِ معنوی و اجتماعیِ قوم و ملت، با القاب چون «حکیمُ القلم» و «لسانُ القوم» مشهوراند. علاوه بر این، ایشان در تدوینِ «فرهنگِ بروشسکی - آلمانی» و «ضرب‌الامثالِ هونزه (Hunza Proverbs)»، بالترتیب با پروفیسر برگر از دانشگاهِ هائیدل برگ و پروفیسر تیفو از دانشگاهِ مانتریال همکار بوده‌اند و نیز بنابر موادِ جمع‌آوری‌شدهٔ ایشان، نخستین «فرهنگِ بروشسکی - اردو» تحتِ قیادتِ شان در اکادمیِ تحقیقاتیِ بروشسکی مرتب گردیده و از دانشگاهِ کراچی شائع شده است. حکومتِ پاکستان، در اعترافِ چنین شاهکارهایِ منفرد و بی‌نظیر، «ستارهٔ امتیاز» را به موصوف اعطاء نموده است.